

مجموعه نقاشی های ملیحه رستمی

برگرفته از اشعار خیام

ابعاد: ۵۰*۵۰ سانتی متر



در دایره‌ای که آمد و رفتن ماست
او را نه بدایت نه نهایت پیداست
کس می نزند دمی در این معنی راست
کاین آمدن از کجا و رفتن بکجاست



از تن چو برفت جان پاک من و تو
خشتی دو نهند بر مغاک من و تو
و آنگاه برای خشت گور دگران
در کالبدی کشند خاک من و تو



درباب که از روح جدا خواهی رفت
در پرده اسرار فنا خواهی رفت
می نوش ندانی از کجا آمده‌ای
خوش باش ندانی به کجا خواهی رفت



این کهنه رباط را که عالم نام است
و آرامگه ابلق صبح و شام است
بزمی ست که وامانده صد جمشید است
قصری ست که تکیه‌گاه صد بهرام است



گر می نخوری طعنه مزن مستان را
بنیاد مکن تو حيله و دستان را
تو غره بدان مشو که می مینخوری
صد لقمه خوری که می غلامست آن را



اجرام که ساکنان این ایوانند
اسباب تردد خردمندانند
هان ناسر رشته خرد گم نکنی
کافان که مدبرند سرگردانند



امروز ترا دسترس فردا نیست
و اندیشه فردات به جز سودا نیست
ضایع مکن این دم ار دلت شیدا نیست
کاین باقی عمر را بها پیدا نیست



از رنج کشیدن، آدمی حر گردد
قطره چو کشد حبس صدف، در گردد
گر مال نماند سر بماناد بجای
پیمانہ چو شد تھی، دگر پر گردد



نیکی و بدی که در نهاد بشر است
شادی و غمی که در قضا و قدر است
با چرخ مکن حواله، کاندلر ره عقل
چرخ از تو هزار بار بیچاره‌تر است



تا راه قلندری نیویی نشود
رخساره بخون دل نشویی نشود
سودا چه پزی تا که چو دلسوختگان
آزاد به ترک خود نگویی نشود